

روای آفریقائی سرهنگ معمر قذافی



سرهنگ قذافی توجیبی به این جریانات ندارد. او در یک سخنرانی در اول سپتامبر که به مناسب سی و یکمین سال پیروزی انقلاب لیبی ایراد کرد وعده داد که تشکیل ایالات متحده آفریقائی خود را در کنفرانس سران آفریقا، در ماه مارس سال آینده، اعلام کند. او به طور ضمنی رهبری خود را بر چنین نظام سیاسی عنوان کرد و گفت: «لیبی کشور کوچکی است و هر چیز بزرگ آغاز کوچکی دارد.»

کشورهای جنوب منطقه صحرا بوسیله ثروتهای نفتی لیبی تطمیع شده اند و به همین دلیل در مراسم سخنرانی قذافی، نه رهبر آفریقائی و از جمله «رابرت موگابه» رهبر زیمبابوه حضور یافته بودند.

در سال جاری، قذافی انحلال دولت لیبی را اعلام و خود را تلویحاً تاجی (مسیح) مطرح کرد. پروژه عظیم رودخانه لیبی، عملیاتی که آبهای زیرزمینی سودان را به شهرهای ساحلی کشورهای صحرای آفریقا منتقل خواهد کرد از افتخارات قذافی است. این پروژه تاکنون ۱۳ میلیارد دلار هزینه داشته و هنوز به هیچ نتیجه ای نرسیده است و لوله های خریداری شده برای طرح که «هشتمین اعجاب جهان» نامیده شده، به دلیل نشست آب از آنها در حال پوسیدن است.

چنانچه رویای آفریقائی قذافی نقش بر آب شود، نقشه آینده او چه خواهد بود؟ گویا او قدری عاقلتر خواهد شد و به واقعیت ها بیشتر توجه خواهد کرد.

در سخنرانی روز اول سپتامبر، او مرگ امپریالیسم غرب را اعلام کرد و آغاز عصری

بزرگراه منتهی به فرودگاه طرابلس، نمادی از ایدئولوژی های دائم تغییر معمر قذافی است. نخستین تابلو در کنار این بزرگراه که زنگ زده و از ریخت افتاده است حکایت از «اتحاد» اعراب دارد. قدری جلوتر، شعاری بر تابلویی دیگر دیده می شود که قذافی را به عنوان رهبر پیشرو اسلام انقلابی معرفی می کند که این تابلو نیز زیر آفتاب گرم شمال آفریقا در حال پوسیدن است و بالاخره در پایان این بزرگراه منتهی به فرودگاه، تابلویی نصب شده که منظره ای زیبا از آفریقا بر آن نقاشی شده و لیبی سرسبز در متن آن می درخشد. انوار خورشید از پس این مناظر می تابد و بر این انوار نوشته شده است «مابه آفریقائی بودن افتخار می کنیم.»

مردم لیبی بیش از هر سیاست دیگر رهبر خود، نسبت به سیاست های آفریقائی او حساس هستند و از آفریقائی کردن کشورشان چندان دل خوشی ندارند. اهالی طرابلس به ویژه از این که دروازه های شهرشان آزادانه بر روی آفریقائیان باز شده است و آنها را تهدید به اقلیت شدن در شهر خود می کند، خشمگین هستند. در شهر قدیمی طرابلس که بازمانده از دوران امپراتوری عثمانی است، تقریباً تمام خدمات شهری بوسیله خارجی ها انجام می شود. اکثر فروشندگان و پیشخدمتهای قهوه خانه ها و رستوران ها سودانی و مصری هستند و خیابانهای شهر بوسیله مهاجران غرب آفریقا تمیز می شود. لیبیائی های ندرت در خیابان ها دیده می شوند و جز هنگامی که مجبور باشند، از اتومبیل های خود خارج نمی شوند. آنها خارجی ها را مسئول آوردن بیماری ایدز به کشورشان و درگیری های سازمان یافته مسلحانه خیابانی می دانند. چنانچه شما یک لیبیائی را لیبیائی - آفریقائی خطاب کنید به شدت آزرده خاطر می شود.

تازه از همکاری با دشمنان پیشین خود و از جمله ایالات متحده آمریکا را نوید داد. گذشته از ماجرای گروگانگیری در فیلیپین، وی وعده داد کمک به جنبش های چریکی را متوقف کند. او همچنین گفت: «وقتی رهبران آفریقائی برای دریافت کمکهای تسلیحاتی پیش من بیایند به آنها خواهم گفت من برای ساختن بیمارستان پول می دهم.»

بنظر می رسد زبان جدید قذافی تا حدودی کارساز بوده است. ماه گذشته وزیر امور خارجه آلمان، بالاترین مقام آلمانی که از زمان به روی کار آمدن قذافی به لیبی رفته است، از طرابلس دیدن کرد. قذافی حتی به اسرائیلی ها چراغ سبز نشان داد و از یکصد هزار یهودی لیبیائی که به اسرائیل مهاجرت کرده اند دعوت کرد به لیبی بازگردند و در این کشور سرمایه گذاری کنند. او گفت: «اگر اسرائیلی ها به عنوان دشمن بیایند با آنها خواهیم جنگید، اگر به عنوان بازرگان برای فروش

پنیر بیایند ما از آنها پنیر خواهیم خرید.» سخنرانی قذافی که در پوشش اقدامات امنیتی بسیار شدید انجام می شد یکی از پرشنونده ترین نطق های او طی سالیان گذشته بود و تعداد زیادی از لیبیائی ها برای شنیدن سخنان او به بن غازی آمده بودند. اما همین لیبیائی ها از رهبر خود چیزهائی فراتر از حرف می خواهند.

لیبی از محل فروش روزانه یک میلیون و چهارصد هزار بشکه نفت هر سال بیش از ده میلیارد دلار درآمد خالص دارد ولی از این درآمد هنگفت چیزی عاید مردم لیبی نمی شود. قذافی بودجه سال جاری کشور را که بوسیله کتکره مردمی خلق تنظیم شده و در آن درآمدهای نفتی ملحوظ گشته بود، به کناری گذاشت و تأکید کرد که پول نفت نباید برای هزینه های عادی، نظیر دستمزدها به کار گرفته شود. در کشور ثروتمند لیبی حقوق یک آموزگار سالانه کمتر از یک هزار و دویست دلار است و به دلیل کمبود خدمات بهداشتی و درمانی مردم لیبی برای استفاده از این خدمات به کشور همسایه خود، تونس، می روند. فراساختارهای کشور شرم آور است. ثروتمندترین کشور منطقه از عقب افتاده ترین سیستم های ارتباطی برخوردار است. قذافی به مدت ده سال این ناپسامانسی ها را به گردن تحریم هائی می انداخت که بر اثر انفجار هواپیمای

مسافربری پان امریکن بر فراز لاکربی اسکاتلند بر لیبی اعمال شد، ولی یک سال پس از تعلیق این تحریم ها و وضع هیچ تغییری در جهت بهبود نیافتگی است و قذافی همچنان بهانه می آورد که

سرهنگ قذافی نه تنها دشمنی با آمریکا را کنار گذاشته، بلکه از اسرائیلی ها هم دعوت می کند برای فروش پنیر به لیبی برونند!

در انتظار رأی نهائی متهمان ماجرای لاکربی و رفع نهائی تحریم ها است. مردم لیبی حرکات قذافی را با دقت زیر نظر دراند و معتقدند رویاهای قذافی با خواسته های ملت پنج میلیونی لیبی هیچ نوع همخوانی ندارد.

«لوئیز فراخان» یکی از رهبران مسلمانان آمریکا، که اخیراً در یک کنفرانس نهضت های انقلابی بین المللی شرکت کرده بود، می گوید: «لیبی می توانست پیشرفتی همچون کشورهای عربی خلیج فارس داشته باشد، اما قذافی در عوض چنین پیشرفتی پول نفت کشور را در اختیار نهضت هائی گذاشته است که علیه مردم

خودمی جنگند».

در لیبی برخلاف بسیاری از کشورهای آفریقای شمالی، مخالفان رژیم، نیروئی نامرئی هستند. از احزاب سیاسی، اتحادیه ها و یانچیش های ملی خبری نیست. اسلامگرایانی که با قذافی اختلاف نظر دارند از صحنه رانده شده اند. مردم اخبار را از تلویزیون های ماهواره ای دریافت می کنند ولی جرأت تفسیر و بحث درباره آن را ندارند. مخالفان از کشور گریخته اند، تبعید شده اند و یا در غارهای کوهستان های «سیرنیکا» پناه گرفته و از آنجا به صورت حمله و گریزیه شهرها و به ویژه به بانکها حمله می کنند. در تابستان گذشته این مخالفان رئیس سازمان امنیت شهر «بن غازی» را ترور کردند. با این حال یک جنبش همه گیر علیه قذافی در لیبی دیده نمی شود و گروه های اسلامی تنها به صورت پراکنده دست به عملیات محدود علیه نیروهای امنیتی لیبی می زنند. در لیبی هیچکس امیدی ندارد که پس از قذافی زندگی متفاوتی با دوران او داشته باشد، زیرا قذافی با داشتن پنج فرزند ذکور در صدد تحکیم پایه های حکومت خانواده و تبار خود نیز هست و رسانه های لیبی تبلیغات وسیعی را در شناساندن جانشینان قذافی ادامه می دهند.

مأخذ: اکونومیست، ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۰
برگردان از بخش ترجمه «گزارش»



ایران بهداشت

۱۳۷۹ - ۱۳۳۶

۴۵ سال

تلاش صادقانه

نشانی: خیابان طالقانی غربی
چهارراه فریمان، شماره ۱۲۲
تلفن: ۴-۶۶۶۷۱۸۱
نمبر: ۶۴۰۲۹۵۶

iranbeh@Kanoon.net